

فصلنامه علمی-تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی-تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

دوره دوم * شماره هفتم * بهار ۱۴۰۳



تبیین نمونه‌هایی از ره‌آوردهای استکبارستیزی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (ع)

معصومه عموزاده^۱

چکیده

استکبارستیزی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری (ع)، ریشه‌ای قرآنی و تاریخی دارد و به‌عنوان یک راهبرد کلان، در مسیر حفظ عزت و استقلال امت اسلامی مطرح می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی ره‌آوردهای استکبارستیزی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (ع)، به تبیین مبانی، ضرورت، و پیامدهای این رویکرد می‌پردازد. پرسش اصلی تحقیق این است که استکبارستیزی چه دستاوردهایی برای جوامع اسلامی به همراه دارد؟ فرضیه تحقیق بر این مبناست که استکبارستیزی، علاوه بر پیامدهای سیاسی و اقتصادی، آثار فرهنگی، اجتماعی و معنوی گسترده‌ای دارد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای و بیانات مقام معظم رهبری (ع) گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استکبارستیزی منجر به شکسته شدن هیمنه استکبار جهانی، حمایت از مستضعفان، رهایی از سلطه‌پذیری، کسب استقلال سیاسی و اقتصادی، و تقویت هویت دینی و فرهنگی در جوامع اسلامی می‌شود. همچنین، استقلال در حوزه آموزش و توسعه علمی از دیگر دستاوردهای این رویکرد است. با توجه به آموزه‌های قرآنی، استکبارستیزی نه‌تنها یک راهبرد سیاسی، بلکه یک امر فطری، عقلانی و اعتقادی است که همواره در طول تاریخ جریان داشته و نقش اساسی در پیشبرد جوامع اسلامی ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی

استکبارستیزی، اندیشه قرآنی، مقام معظم رهبری (ع)، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، مقاومت اسلامی، هویت فرهنگی.

Email: Baharzam2@Gmail.com	۱. دانش‌پژوه سطح ۴، تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع)
Orcid: 0009-0009-8178-361X	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵
استناددهی: عموزاده، معصومه (۱۴۰۳). «تبیین نمونه‌هایی از ره‌آوردهای استکبارستیزی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (ع)»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۲، ش ۷، صفحات ۹۹-۱۲۱.	

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های بنیادین در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری علیه السلام، استکبارستیزی است. این رویکرد مبتنی بر فرمان الهی: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾ (توبه: ۱۲) و سایر آیات مرتبط (بقره: ۱۹۰، سبأ: ۴۶، صافات: ۲۵) است. این مجموعه از آیات، هرگونه سازش و مصالحه با استکبار را نفی کرده و بر این نکته تأکید دارند که استکبار جهانی، هرگز از موضع سلطه‌جویی و زیاده‌خواهی خود عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ بلکه همواره در پی ایجاد فساد در سطح جهانی و برهم زدن نظم اجتماعی است. انگاره استکبارستیزی برای طالبان عزت، کرامت، پیروان حق و سالکان کمال، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌آید. مقام معظم رهبری علیه السلام نیز با استناد به آیه شریفه: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾ (نحل: ۳۶) دوری از مستکبران و طاغوتیان را یکی از مهم‌ترین ره‌آورد‌های بعثت انبیای الهی دانسته و از آن به‌عنوان گنجینه‌ای ارزشمند و همیشگی یاد کرده‌اند. معظم‌له در این زمینه می‌فرمایند: «در قرآن به ما تعلیم داده شده است که انسان باید از طغیانگران و اشرار عالم کناره بگیرد و با آن‌ها همراهی نکند. این، یکی از همان گنجینه‌هایی است که همیشه می‌توان از آن بهره برد و مسیر زندگی را به‌درستی ترسیم کرد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹، khamenei.ir).

بر این اساس، استکبارستیزی، نه‌تنها یک مسئله سیاسی و مختص به انقلاب اسلامی یا یک دوره خاص تاریخی نیست، بلکه امری فطری، عقلانی، اعتقادی و قرآنی است که به همه اعصار، ملت‌ها و جوامع تعلق دارد و هرگز تعطیل‌پذیر نخواهد بود. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای در باب استکبارستیزی را بررسی می‌کند. در این مقاله، اولین گام و شرط لازم برای مبارزه پیروزمندانه با هر فرد و جریان مستکبر، کسب آگاهی و حفظ هوشیاری نسبت به دشمن و اهداف پلید استکبار جهانی معرفی شده است. ثمره این شناخت و مقاومت، رهایی از بردگی نظام سلطه خواهد بود که در نهایت، به کسب استقلال در حوزه‌های مختلف، از جمله آموزش و اقتصاد مقاومتی، منتهی خواهد شد.



توجه به آموزه مهم اسلامی «استکبارستیزی» قدمتی به درازای خلقت بشر دارد و ریشه در سنت الهی دارد، چراکه بر اساس آموزه‌های کتب آسمانی، نخستین اقدام در این راستا از سوی خدای متعال انجام گرفته است. شاهدی روشن بر این مدعا آن است که زمانی که ابلیس به دلیل روحیه استکباری‌اش از سجده بر آدم علیه‌السلام سر باز زد ﴿فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ﴾ (بقره: ۳۴)، مستوجب نکوهش شده و مورد خشم الهی قرار گرفت. بر اساس مفاد صریح آیاتی همچون: ﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ (حجر: ۳۴)، او از درگاه الهی رانده شد. همین اقدام الهی سبب شد تا فرهنگ استکبارستیزی از دیرباز مورد توجه پیروان ادیان الهی، به‌ویژه مسلمانان و دیگر جوامع بشری، قرار گیرد. با این حال، این مسئله در دهه‌های اخیر، تحت تأثیر اندیشه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری علیه‌السلام، از سوی افراد و گروه‌های بیشتری مورد توجه و بررسی قرار گرفته و منجر به انتشار آثار متعددی در این زمینه شده است. به طور کلی، این آثار را می‌توان در دو دسته «پیشینه عام» و «پیشینه خاص» جای داد. در ادامه، به برخی از این آثار اشاره می‌شود.

- پیشینه عام

۱. مقاله «تحلیل چند مولفه پایداری و استکبارستیزی در قرآن کریم»، نوشته حمیدرضا لایقی، نشریه «مطالعات شهریار پژوهی»، دوره ۵، ش ۲۳، صفحات ۵۸۵-۶۰۲، سال ۱۳۹۸.
۲. مقاله «جلوه‌هایی از استکبارستیزی در سیره و سخن امام راحل علیه‌السلام، به همراه تحلیلی عرفانی از آن» تالیف حسین مظفری، نشریه «معرفت اخلاقی»، ش ۲۹، صفحات ۴۷-۵۶، سال ۱۴۰۰.
۳. مقاله «مبانی و منطوق مقاومت و استکبارستیزی جمهوری اسلامی»، نوشته علی مجتبی‌زاده، نشریه «پاسخ»، صفحات ۵۵-۷۰، سال ۱۴۰۰.

- پیشینه خاص

۱. مقاله «نقش معنویت در تقویت مولفه‌های استکبارستیزی با رویکردی بر اندیشه دفاعی فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه‌السلام»، اثر فاطمه سلطان محمدی، همایش نقش حکمت اسلامی در انقلاب اسلامی، دوره ۱، صفحات ۵۷۲-۵۹۷، ۱۳۹۸.

۲. مقاله «بررسی تناظر محتوایی استکبارستیزی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای^(عجله) و قرآن کریم براساس روش تحلیل محتوا»، نوشته روح‌الله داورى، عباس مصلايى پور يزدى، نشریه «تحقیقات بنیادین علوم انسانی»، ش ۲۴، صفحات ۱۲۳-۱۴۶، سال ۱۴۰۰.

۳. مقاله «مؤلفه‌های مفهومی مقاومت در اندیشه امام خامنه‌ای^(عجله)»، نوشته محمد حکیمی؛ اصغر افتخاری، نشریه «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، ش ۴۱، صفحات ۱۰۳-۱۳۷، سال ۱۴۰۱.

نکته قابل توجه این است که، اگرچه در آثار مذکور و نمونه‌های مشابه، به دستاوردهای استکبارستیزی و مباحث پیرامونی آن پرداخته شده است، اما در هیچ‌یک از آن‌ها به صورت مستقیم، جامع، مشخص و جزئی، ره‌آورد‌های استکبارستیزی بر اساس اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری^(عجله) مورد بررسی قرار نگرفته است. از این‌رو، پژوهش پیش‌رو، بدیع، ضروری و دارای اهمیت و جامعیت نسبی است.

۱. مفهوم‌شناسی

با توجه به تأثیر روشن بودن معانی واژگان کلیدی مقاله در تبیین مباحث آن، ابتدا به بررسی و تبیین مفاهیم پرداخته می‌شود.

۱-۱. استکبار

الف) ریشه و مفهوم لغوی

استکبار، از ریشه «ک-ب-ر»، در لغت، به معنای بزرگی (تعظم) (جوهری، ۱۴۰۴: ۸۰۱/۲؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۷۲/۶؛ زبیدی، ۱۳۸۹: ۴۳۲/۷؛ بعلبکی، ۱۹۸۷: ۱/۳۲۷)؛ خودبزرگ بینی دروغین (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۴۰/۳؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۰/۱۲۰) و امتناع از پذیرش حق (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵/۱۲۶) آمده است.

راغب اصفهانی در مفردات بیان می‌کند که واژگان «کِبَر»، «تکَبَّر» و «استکبار» معانی نزدیکی به یکدیگر دارند. سپس می‌افزاید که «استکبار» دو مفهوم اصلی دارد: نخست، تلاش و کوشش برای دستیابی به بزرگی از طریق فراهم آوردن شرایط لازم، که این نوع از استکبار ممدوح

است؛ و دیگر، ادعای بزرگی بدون شایستگی، که مذموم شمرده شده و در قرآن کریم مورد نکوهش قرار گرفته است. چنان‌که درباره‌ی شیطان آمده است: ﴿أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ؛ او از سجده بر آدم سر باز زد و تکبر ورزید﴾ (بقره: ۳۴) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱/۳۸۲).

ب) مفهوم اصطلاحی

در جهت تبیین مفهوم اصطلاحی «استکبار» و چپستی مدلول آن، شاهد تعاریف و تعابیری متنوع از سوی ارباب لغت و مفسران هستیم؛ گاه گفته شده: واژه استکبار در قرآن مجید در مقابل ضعفا قرار گرفته است که، اشاره به برتری جویی آن‌ها به خاطر قوت جسمانی یا مال و ثروت بوده است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۶۹۶، ماده کبر). لذا نقطه مقابل استکبار، استضعاف است و به معنای وضعی است که از سوی مستکبران بر گروهی تحمیل می‌شود، و آن‌ها را به ناتوانی می‌کشاند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱/۳۸۲).

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز، با لحاظ گفتار ارباب لغت و تفسیر؛ و با در نظر گرفتن مفاد آیات و روایات مربوطه؛ در مقام توجه دادن به مفهوم اصطلاحی «استکبار» فرمود: «استکبار یعنی قدرتی در دنیا یا قدرت‌هایی در دنیا؛ چون نگاه می‌کنند به خودشان، می‌بینند دارای امکانات پولی و تسلیحاتی و تبلیغاتی هستند؛ بنابراین باید به خودشان حق بدهند که در امور زندگی کشورها و ملت‌های دیگر، دخالت‌های مالکانه بکنند؛ این معنای استکبار است» (بیانات مقام معظم رهبری، با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۸۸/۸/۱۲، khamenei.ir).

به گفته‌ی برخی پژوهشگران معاصر، استکبار به‌عنوان ویژگی‌ای فراگیر، از مؤلفه‌های تمدن مدرن به‌شمار می‌آید که از دوران رنسانس ظهور کرده است. این مفهوم، پیش از عصر جدید نیز وجود داشته، اما در قالبی غیر اومانیستی نمود یافته است. استکبار به معنای انکار بندگی انسان در برابر خداوند و نادیده گرفتن مخلوقیت خویش و خالقیت حق تعالی است (زرشناس، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۹). یکی از مفسران معاصر، در تبیین جنبه‌ی منفی این صفت ناپسند چنین نگاشته است: «این گناه، هم‌سطح گناهان معمولی نیست، بلکه به منزله‌ی قطع درخت توحید و خشکاندن فطرت الهی در وجود انسان است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸/۴۰۰-۴۰۱).

۲-۱. ستیز

دانشمندان زبان‌شناسی، واژه «ستیز» را به معنای نزاع، سرکشی، جنگ، خصومت، لجاجت، خشم و کینه دانسته‌اند و «ستیزه‌گری» را به معنای پیکار کردن تعریف کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۲: ۳۲۲/۲۸-۳۲۰). همچنین، مفهوم اصطلاحی این واژه کاملاً با معنای لغوی آن هم‌خوانی دارد و یکسان است.

۳-۱. استکبارستیزی

مقام معظم رهبری علیه‌السلام در بیان مفهوم تعبیر ترکیبی «استکبارستیزی» فرموده است: «معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ‌و‌خم دار پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملتی زیر بار مداخله جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود» (بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۱۲).

بنابراین، می‌توان گفت: تکبر و استکبار که از زشت‌ترین و نکوهیده‌ترین رذایل نفسانی است، عاملی برای تسلط بر ملل مظلوم می‌شود؛ لذا در مقابل مستکبر نباید کوتاه آمد و به آنان اجازه دخالت در امور دینی و دنیوی خود را نداد؛ طبیعتاً، لازمه این امر، دشمن‌شناسی است. بر این اساس، اولین آگاهی از میان هزاران آگاهی که خدای متعال به حضرت آدم داد، دشمن‌شناسی بود؛ (اعراف: ۱۱۷). گویا در طراحی نظام عالم، وجود دشمن اجتناب‌ناپذیر است. دشمنی که دخالتش محصور به اقتصاد، فرهنگ و مسائل دینی فقط نیست، همه‌جانبه است باید او را شناخت، علاوه بر دفاع، مقابله هم کرد (بیانات مقام معظم رهبری، در درس خارج فقه و تشکر از حضور در انتخابات، ۱۳۹۸/۱۲/۴).

زیرا «مقابله‌ی با حرکت استکباری و قدرت‌های استکباری؛ شعار انقلاب است» (بیانات در ارتباط تصویری با آذربایجان شرقی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸). معظم‌له در بیان دیگری فرموده است: «این دشمنی، یک دشمنی ذاتی است، دشمنی همیشگی است، هر وقت بتوانند ضربه بزنند می‌زنند. علاجش این است که ما خودمان را قوی کنیم؛ قوی از لحاظ نظامی، قوی از لحاظ امنیتی، قوی از لحاظ سیاسی، قوی از لحاظ اقتصادی. از جهات مختلف خودمان را قوی کنیم که دشمن نتواند ضربه بزند» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).



طبیعتاً با پیشه نمودن چنین مقابله و مبارزه‌ای می‌توان جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت و رهایی از بردگی و درد و رنج‌هایی که بر اثر ظلم و انحصارطلبی به وجود می‌آید، ایجاد کرد. از این‌رو همه پیامبران، مخصوصاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نظام سلطه مبارزه پی‌گیر و مستمر داشته‌اند بدین‌رو، استکبارستیزی ثمرات بسیاری خواهد داشت و آدمی را به حیات طیبه خواهد رساند.

۲. بررسی مهم‌ترین ره‌آورد استکبارستیزی

با بررسی آیات و روایات مرتبط با مسئله «استکبارستیزی»، به وضوح خواهیم یافت که این اقدام شایسته، از آثار و ره‌آوردهای متنوعی برخوردار است؛ و در این راستا، دسته‌بندی‌های مختلفی، امکان‌پذیر است؛ از جمله:

۱. ره‌آوردهای «مادی» (همانند رشد و استقلال اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) و «معنوی» (از جمله: شکل‌گیری و گسترش فرهنگ عبودیت و بندگی خدا، رهایی از بردگی)؛
 ۲. ره‌آوردهای «فردی» (آزادی فردی) و «اجتماعی» (شکسته شدن هیمنه استکبار)؛
- در این پژوهش، با تکیه بر اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری در زمینه استکبارستیزی، به بیان و تحلیل نمونه‌های برجسته و قابل تأمل می‌پردازیم.

۲-۱. شکسته شدن هیمنه استکبار جهانی

خدای متعال در بسیاری از آیات قرآن کریم، سیره و قصه مردان مبارز در برابر دشمن را معرفی می‌کند. یکی از نمونه‌های مهم آن، داستان مبارزه طالوت (فرمانده بنی اسرائیل) با جالوت (ابر قدرت ستمگر) است (بقره: ۲۵۰) و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و رهروان راهش نیز فرمان داده است که از مقاومت کردن در عرصه مقابله با نمادهای استکباری، کوتاه نیایند: ﴿فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ (هود: ۱۱۲)؛ مقام معظم رهبری در این زمینه فرمود: «خدای متعال به ما دستور داده است - دستور به پیغمبر دستور به همه است، دستور به ما است - این استقامت است، این سخن حق را در دل نگه داشتن و حفظ کردن و پای آن ایستادن است» (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۴۰۲/۱/۱).

در قالب این آیه، نبی اکرم صلی الله علیه و آله (همراه با پیروانش)، مأمور به پایداری و استقامت بر جاده حق

و حقیقت و تبلیغ دین شده است (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۳/۱۱۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۸/۵۲۳). در واقع خدای سبحان با صدور این فرمان، برنامه‌ها و اهداف دشمنان کافر و کسانی که در مسیر خدا سنگ‌تراشی می‌کنند را، بی‌اثر ساخته، و هیمنه آنان را شکسته و آن‌ها را با شکست مواجه نمود.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی از سویی به ضرورت مقاومت و ایستادگی در عرصه ستیز با استکبار توجه داده و فرموده است: «در این مسیر، تداوم ایستادگی و داشتن عزم راسخ به‌عنوان برجسته‌ترین مصادیق تقوا، (بیانات در اجلاس جهانی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰) و دو عنصر اساسی برای رسیدن به آرمان‌های بلند و اقتدار انقلاب اسلامی است (بیانات در کنگره حج، ۱۳۹۰/۸/۱۴) و از ناحیه دیگر بارها به ره آورد مهم و بنیادین «شکسته شدن هیمنه استکبار»، توجه داده؛ و در این راستا نیز چنین فرموده است:

۱. «بر این اساس، ایستادگی مردم، هیبت و عزت غرب را شکسته، (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) و موجب الگوسازی کشور در دنیای اسلام شده است» (بیانات در جمع کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳).

۲. «نظام سلطه، با هدف نابودی انقلاب‌ها در پی خنثی کردن حرکت ملت‌هایی است که طالب استقلال و پیشرفت‌اند. ولی حرکت ملل بر اساس، توکل و حسن ظن به خدای متعال، نظام‌سازی اسلامی، ایجاد حرکت‌های ضد استکباری و صهیونیستی و شناخت دشمن، قطعاً پیروزی را به دنبال خواهد داشت» (بیانات در جمع مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۱/۳/۲۹).

زیرا «رژیم استکباری، هم جنگ‌افروز است، هم تروریست، هم تروریست‌پرور و هم مداخله‌گر است، هم فاسد و هم انحصارطلب است؛ یعنی وقتی می‌گوئیم «رژیم استکباری»، استکبار جامع همه‌ی این زشتی‌ها و بدی‌ها و شیطنت‌ها است. بنابراین، ستیزه‌گری با این استکبار، با این پدیده، عین عقلانیت است، تسلیم شدن و زیربار رفتن، ضد عقلانیت بود» (سخنرانی تلویزیونی ولادت پیامبر اعظم و امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۹/۸/۱۳).

همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «خداوند هرگز ستمگران دنیا را درهم نشکسته،

مگر بعد از آنکه به آنان مهلت داده و نعمت فراوان بخشیده و هرگز استخوان شکسته هیچ اتمی را ترمیم نکرده، مگر بعد از تحمل مشکلات و آزمون‌ها و در سختی‌هایی که شما با آن روبرو شدید» (نهج البلاغه، خطبه ۸۸) زیرا در این رویارویی و تحمل مشکلات از جانب مستضعفین، مستکبرین در حکم کودی برای پرورش استعدادهای درونی ستم‌دیدگان گردیده؛ در نهایت نابود می‌شوند (رک. جعفری، ۱۳۹۲/۱۵/۹).

۲-۲. حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران

خصیصه ذاتی استکبارستیزی، حمایت از مظلومین است؛ خدای متعال در توییخ از کسانیکه به هر عللی از یاری رسانی به مظلومان سرباز زده‌اند؛ فرموده است: «چرا در راه خدا و (برای رهایی) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! (نسا: ۷۵). از این رو، برای رسیدن به صلح جهانی پایدار، علاوه بر، تن ندادن به تباهی ظلم، باید جلوی هرگونه تجاوز و تعدی به مظلومین گرفته شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۸۰). و بفرموده رهبر معظم انقلاب علیه السلام، «جهاد اسلام در واقع، کمک به ملت‌هایی است که پشت پرده‌ی سیاست‌های استعماری و استکباری و استبدادی قرار داده شده‌اند که نور اسلام و نور هدایت به آنان نرسد. جهاد برای دریدن این پرده‌ها و حجاب‌ها است. یعنی اسلام، انسان را این‌چور خواسته که نسبت به خود، نزدیکانش، به جامعه‌اش و نسبت به بشریت مسئول باشد» (بیانات در بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۹/۶). به گونه‌ای که در پاره‌ای از روایات، کسی که به دادخواهی در مانده‌ای پاسخ ندهد، از گردونه «مسلمان» بودن، خارج خواهد شد (کلینی، ۱۴۲۱: ۱۶۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۹/۷۱).

همچنین، معظم‌له در مقام توجه دادن به این ره‌آورد اساسی استکبارستیزی فرموده است: «هراس استکبار از عزت یافتن مسلمین است، استکبار و دار و دسته‌ی خبری و تبلیغاتی و قلم‌ها و بوق‌های مزدور، از بازگشت ملت‌ها به گذشته‌ای که به آنان عزت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند و دست سلطه‌گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، ناخشنود و سراسیمه و بیمناک‌اند و لذا با هر بهایی می‌خواهند از آن مانع شوند» (بیانات در کنگره حج، ۱۳۷۰/۳/۲۶)

۲-۳. رهایی از بردگی

خدای متعال، در قرآن کریم، باز کردن غل و زنجیر برآمده از تمایلات نفسانی، ظلم‌ها، تبعیض‌ها، و ذلت‌ها از گردن آدمی را، به‌عنوان یکی از اهداف عالیه دخیل در بعثت انبیاء الهی یاد نموده، (اعراف: ۱۵۷) یعنی دین الهی، انسان را از هر قیدی که مانع قیام، برجستگی و نبوغ باشد؛ جز قید بندگی خدا می‌رهاند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۴۷/۳۰).

به فرموده مقام معظم رهبری علیه‌السلام، «قرآن به ما درس می‌دهد؛ ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹) این‌ها خصوصیات مؤمن است، قرآن می‌گوید این‌جوری باید باشید. اولش ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾ است؛ در مقابل کفار سخت ایستادن، مثل خاکریزهای نرمی که قابل نفوذ است نبودن، مثل سدّ مستحکمی در مقابل کفار ایستادن. مسلمان‌ها باید در مقابل استکبار بایستند؛ مسلمان‌ها باید در مقابل زورگویی آمریکا و بقیه‌ی زورگوهای عالم بایستند؛ اگر این را رعایت نکنند، اگر این مرزها را توجّه نکنند، ذلیل خواهند شد، دچار فساد خواهند شد، دچار عقب‌ماندگی خواهند شد» (بیانات در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۷/۲/۶).

چنانکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز فلسفه بعثت را خارج کردن بشریت از عبودیت و ولایت غیر خدا و آوردن در ولایت و عبودیت الهی دانسته است (کلینی، ۱۴۲۱: ۸/۳۸۶، ح ۵۸۶). بدین جهت اراده‌ی خدای متعال به خروج مستکبرین از صحنه‌ی تاریخ تعلق گرفته (قصص: ۵)؛ شهید مطهری در این‌باره بیان می‌کند: «سیر تاریخ در جهت پیروزی اسارت‌رفتگان و استعمارشدگان است؛ زیرا استعمارگری بر ضد سنت تکاملی و محکوم به فنا است» (مطهری، بی‌تا: ۴۳۱).

امام خامنه‌ای علیه‌السلام نیز با الهام از مفاد جمعی از آیات و روایات، در مقام اشاره به این ره آورد مهم «استکبار ستیزی» فرموده است:

۱. منشور جهانی اسلام دعوت به توحید (آل عمران: ۶۴) یعنی آزادی از هر نیرو و قدرتی غیر از خداست. «اصلاً فلسفه جهاد برای رهایی انسان از بردگی انسان‌ها و نظام‌های فاسد است. بر این اساس مسئله آزادی بر مبنای توحید، در اسلام و آثار اسلامی دارای اهمیت زیادی است؛ به گونه‌ای که در ابعاد بسیار وسیع پیش‌تاز رهایی بشر از قید و بند مستکبرین، ظالمان و تصورات



باطل بوده است» (بیانات رهبری، نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۵).

۲. «بدین لحاظ دولت‌های سلطه‌پذیر که دخالت وقیحانه و گستاخانه ابرقدرت‌ها را می‌پذیرند؛ خودشان شریک جرم‌اند» (دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۴/۲۵). زیرا چنین مستضعفینی هزینه‌های و آزادی خود را نمی‌پردازند؛ همانگونه که بنی اسرائیل با سختی از بردگی فرعون نجات یافتند اما حاضر نشدند برای حفظ آزادی خود با عمالقه بجنگند (مائده: ۲۴). بنی اسرائیل از روی جرأت و جهالت بر خدا و رسولش (کاشانی، ۱۳۰۰: ۳۸۳/۱) و قساوت قلوب (کاشانی، ۱۴۲۳: ۲/۲۴۳)؛ و به جهت نفوذ ضعف و زبونی در جان و روحشان؛ حاضر به نبرد با ظالمان نشدند. درحالی‌که، عصاره جهاد برطرف کردن جرثومه استکبار، استعمار، استثمار، استعباد و مانند آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۱/۵۷۹).

۳. البته «باید دانست، مقوله آزادی موهبتی الهی و فطری است؛ دادنی، گرفتگی و آموختنی است. هیچ بشری حق سلب آن را از دیگری ندارد، در عین حال باید مطالبه‌گر هم باشد. جامعه باید مؤدب به ادب آزادی شود وگرنه فاجعه به بار خواهد آمد» (دیدار رهبری در دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹). بدین جهت، قرآن در صحنه‌های مختلفی، گروه‌هایی از مستضعفین را محکوم و مشمول عذاب الهی شمرده؛ و می‌فرماید: آنگاه که این طیف از مستضعفان و پیروان مستکبران درباره‌ی پیشوایان خود می‌گویند: ﴿رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ؛ پروردگارا! این‌ها بودند که ما را گمراه ساختند؛ پس کیفر آن‌ها را از آتش دو برابر کن﴾ (اعراف: ۳۸). پروردگار کریم خطاب به آنان می‌فرماید: «برای هر کدام [از شما] دو عذاب است؛ ولی نمی‌دانید» (اعراف: ۳۸)، در برخی از روایات، مراد از قوم گمراه‌کننده در آیه مذکور، پیشوایان ظلم دانسته شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲/۳۰؛ کرمانی، ۱۹۹۸: ۲/۵۴۱؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱/۲۳۰). علت عذاب مستضعفان چنین بیان شده، که آنان حاضر نبودن بهای آزادی خود را پردازند و بردگی استکبار را بپذیرفتند.

راز همکاری مستضعفین با مستکبرین، روحیه بردگی است، روحیه بردگی و بره‌وار زندگی کردن در خیلی از آدم‌ها وجود دارد. اریک فروم «روانشناس مشهور آلمانی» انسان را موجودی بردگی طلب دانسته تا آزادی خواه، (اریک فروم، ۱۳۷۵: ۴۳). لذا استکبارستیزی، عامل دشمنی

مستکبرین با انبیاء الهی و انسان‌های بزرگی است که برای آزادی مردم قیام می‌کنند؛ زیرا «آنان ملتی را می‌خواهند که براهی برای اهدافشان گردند» (بیانات رهبری، با دانش‌آموزان روز سیزده آبان، ۱۳۷۴/۸/۱۴). آنان می‌خواهند مستضعفین برده آنان باشند تا منافعشان تطمیع شود. چون کار مستکبرین به بردگی کشیدن، کار مستضعفین به بردگی رفتن و کار اصلی انبیاء، آزادی دادن است.

به فرموده رهبر فرزانه انقلاب اسلامی: «ملتی که اسیر هوی و هوس، شهوات، ترس و طمع خود نشده و از زنجیرهای درونی روح و نفس رها گردد؛ هیچ‌گاه اسیر قدرت‌های جبار، ظالم و ستمگر نخواهد شد» (بیانات رهبری، نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۵) و «ملت ما اعلام کرده و ثابت نموده که از نفوذ همه‌ی قدرت‌ها و گردن‌کلفت‌ها آزاد است. به‌گونه‌ای که امروز هیچ‌کدام از ابرقدرت‌های بزرگ قادر به اعمال نفوذ بر ملت ایران نیستند» (دیدار با اقشار مردم، ۱۳۶۸/۹/۱). زیرا همه‌ی ما می‌دانیم هوای نفس، میل به خود طبیعی است لذا توان اشباع کردن نیاز واقعی انسان را ندارد (جعفری، ۱۳۹۲: ۳۳/۱۵).

۲-۴. استقلال و قطع سلطه استکبار

واژه «استقلال» در لغت به معنای ضابط امر خویش بودن و بدون شرکت دیگری بر کاری ایستادن، آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۱۸۴/۵) و در اصطلاح به شرایطی می‌گویند که یک ملت، کشور یا دولت توانایی خودگردانی و حاکمیت نسبی یا تام بر سرزمین، مردمان یا امورات خود را داشته باشد (زرشناس، ش ۵۷۲۷، ص ۱).

در خلال آیات و روایات، گاه بطور مستقیم و گاه غیرمستقیم، از مسلمانان خواسته شده متمایل به دشمنان نباشند، و در جهت خود اتکایی و استقلال تلاش نمایند؛ به فرموده رهبر انقلاب «سیاست استقلال هست، سیاست باج ندادن هست، اینجا استقلال و باج ندادن ایمان است، برخاسته‌ی از دین است». (بیانات رهبری در جمع فرماندهان نیروی هوایی، ۱۴۰۱/۱۱/۱۹).

از باب نمونه: آنجا که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ (هود: ۱۱۳). در این آیه یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های اجتماعی، سیاسی، نظامی و عقیدتی، که عدم تکیه به ظالمان و ستمگران

می‌باشد؛ به‌عنوان یک وظیفه قطعی بیان شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹/۲۶۰). بنابراین جایی که موجب حقارت شما می‌شود، سستی نکنید و تسلیم نشوید.

بدین جهت، کسب «استقلال» یک اصل مهم و تعیین‌کننده، و یکی از مصادیق مهم در عرصه استکبارستیزی و از جمله اهداف بنیادین، کلیدی و آرمانی در عرصه شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن محسوب می‌شود؛ همچنانکه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی فرمود: «استقلال از جمله مبانی اعلامی و شعارهای امام بود» (بیانات رهبری، سالروز رحلت امام، ۱۳۶۸/۳/۱۴).

معظم‌له در مقام توجه دادن به ضرورت «استقلال طلبی» فرمود: «اگر ملتی استقلال داشته باشد، آن ملت مجبور نمی‌شود زورگویی و تحمیل را از زورگویان و زیاده‌خواهان عالم تحمّل کند. یکی از آرزوها استقلال است» (دیدار رهبری باجمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۳/۷)؛ زیرا پیش شرط لازم و ضروری برای آسایش و تأمین رفاه مادی و رشد معنوی، در تعاملات جهانی، حفظ استقلال هر ملت است و بدین معناست که مرکزیت تشخیص و تعیین و سیاست‌گذاری برای ملت، دولت خود آن ملت باشد. چون به سبب وابستگی، منابع و ظرفیت‌ها و امکانات آن ملت مورد سوءاستفاده و استعمار دولت وابسته قرار می‌گیرد (زرشناس، ش ۵۷۲۷: ص ۱).

از جمله اموری که حضرت امام خامنه‌ای در حوزه «استقلال» بدان تاکید داشته و دارد، نگاه همه جانبه به آن است؛ و صراحتاً اعلان نموده است: «یکی از شاخص‌های انقلابی‌گری، پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی است» (بیانات رهبری در سالگرد امام، ۱۳۹۵/۳/۱۴)؛ زیرا «اساس سعادت یک کشور آن است که بتواند مستقل زندگی کند» (دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۸۴/۸/۱۰).

۳. انواع استقلال در اندیشه مقام معظم رهبری

در ادامه، استقلال «سیاسی»، «اقتصادی» و «آموزشی» در اندیشه مقام معظم رهبری به‌صورت مختصر و جامع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. استقلال سیاسی

بر مبنای اندیشه‌ی اسلامی، هم سلطه‌گری مذموم است و هم سلطه‌پذیری؛ لذا یکی از الزامات اساسی، دستیابی به پیشرفت و استقلال سیاسی و عدم وابستگی به دولت‌های دیگر است. از این رو قرآن کریم، افرادی که از نظام سلطه، دوری می‌کنند، ستوده و آنان را صاحبان خرد و اندیشه معرفی نموده است (زمر: ۱۷-۱۸). در واقع پیشرفت جامعه در گرو مستقل بودن آن است. به گونه‌ای که دولت آن کشور به دور از دخالت بیگانگان، استراتژی کشورش را تدوین کند.

رهبر انقلاب؛ از استقلال سیاسی، به‌عنوان «مرزبندی با دشمن» یاد نموده؛ و چنین فرموده است: «مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم [است].... مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم عیناً همین جور است؛ وقتی که مرز روشن نبود، دشمن می‌تواند نفوذ کند، می‌تواند خدعه کند، می‌تواند فریبده عمل بکند، می‌تواند بر فضای مجازی مسلط بشود. اگر مرز با دشمن روشن بود، تسلط او بر فضای مجازی، بر محیط فرهنگی به این آسانی نخواهد بود؛ این هم یک مطلب است که در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوَّكُمْ اَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ اِلَيْهِمْ﴾ (ممتحنه: ۱)، به آن اشاره شده است». (دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳)؛ همچنین ایشان؛ با استناد به آیه شریفه ﴿وَ يَضَعُ عَنْهُمْ اَصْرَهُمْ وَ الْاَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ (اعراف: ۱۵۷)، از رها شدن از زنجیر جهل و تعصب و جمود و توقف و مانند آن؛ به‌عنوان گنجینه و ره‌آورد مهم بعثت انبیاء یاد نموده؛ و فرمود: «هزاران گنجینه‌ی ممتاز از این قبیل در قرآن هست» (بیانات رهبری با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹). معظّم‌له در گفتار حکیمانه دیگرش، از استقلال سیاسی، به‌عنوان بستر و زمینه‌سازی «قدرت سیاسی» یاد کرده و اینگونه فرموده است: «زمینه‌سازِ قوتِ سیاسی، استقلالِ سیاسی است». (سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۱/۳).

رهبر جهان تشیع، نیروی قدس را بزرگ‌ترین عامل مؤثر در جلوگیری از دیپلماسی انفعالی در منطقه‌ی غرب آسیا دانسته؛ می‌فرماید: «نیروی قدس در منطقه‌ی غرب آسیا یک سیاست مستقل جمهوری اسلامی را و سیاست عزت‌مدار جمهوری اسلامی را تحقق بخشیده است» (سخنرانی تلویزیونی با ملت ایران، ۱۴۰۰/۲/۱۲)؛ بدین رو، «امروز در دنیای کنونی، هر

حرکتی، هر اقدامی، هر حرفی که در جهت استقلال سیاسی کشورها و ملت‌ها [باشد]، ... هر حرکتی در این جهت، عمل صالح است» (دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۸/۲۴).

۳-۲. استقلال اقتصادی

بی تردید، فعالیت اقتصادی مناسب، رمز بقای امت‌ها است به‌گونه‌ای که در روایات انسان بی‌کار، مبعوض خدای سبحان است (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۶۹/۳، ح ۳۵۳۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ۳۶/۱۲)؛ از طرفی دیگر، وابستگی و امید به دشمن از جهالت و حماقت آدمی نشأت می‌گیرد، رهبر انقلاب اسلامی نیز در مقام برشمردن اولویت‌های کشور، از اقتصاد و فرهنگ، در صدر فهرست اولویت‌ها یاد نموده است (بیانات رهبری در آغاز یازدهمین دوره مجلس شورا، ۱۳۹۹/۳/۷). باتوجه به اینکه اقتصاد هر کشور، سکان‌دار هدایت آن جامعه است؛ وابستگی اقتصادی از جمله عوامل به بردگی کشاندن ملت‌های مسلمان بوده؛ به فرمایش مقام معظم رهبری؛ «قرآن مال اسلام است؛ آن مرکزی و کانونی که فریاد می‌زند، ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱) (بیانات رهبری در دیدار مسئولان حج، ۱۳۹۴/۵/۳۱).

شهید مطهری صراحتاً اعلان نمود: «تحقق این آرمان الهی زمانی است که مسلمانان به استقلال اقتصادی رسیده، دستشان جلوی بیگانه دراز نباشد، زیرا نیازمندی ملازم با بردگی است و لو نام بردگی در میان نباشد» (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۹). بر این اساس در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، وابستگی در خوراک و پوشاک هم، نهی شده (برقی، ۱۳۷۱: ۱۷۸/۲؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ۵/۲۷). و نیازمندی به دیگران عامل اسارت انسان دانسته شده است. «اِحْتِجْ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ...» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۰۳/۱).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام، با الهام از مفاد آیات و روایات مذکوره، دو رکن اقتصاد اسلامی را، رفع محرومیت و افزایش ثروت ملی می‌دانند «تلاش برای توزیع عادلانه، رفع محرومیت از جامعه‌ی اسلامی و افزایش ثروت ملی که دو پایه‌ی اصلی در نگاه کلان‌گرا در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی است؛ باید صورت گیرد». (بیانات رهبری با مسئولان اقتصادی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰).

اما «دشمنان سعی دارند با تبلیغات وسیع، کمبودهای معیشتی و اقتصادی را حربه‌ای برای کوبیدن نظام اسلامی مبنی بر عدم توانایی در حل مشکلات اقتصادی ملت ایران دانسته» (بیانات رهبری در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۶) و «با انواع و اقسام و طرق مختلف (از جمله راه‌های فرهنگی، هنری و اقتصادی) تلاش می‌کنند که در کشور نفوذ کنند» (بیانات رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

طبق فرموده ایشان، برای رسیدن به حماسه اقتصادی «باید چرخ تولید با تکیه و اعتماد به نیرو و سرمایه‌های داخلی به حرکت درآید؛ زیرا مشکلات حقیقتاً ناشی از کم‌توجهی خودمان است» (بیانات رهبری در یازدهمین دوره مجلس، ۴/۲۲/۱۳۹۹). به گفته برخی از کارشناسان دینی، مردمی کردن اقتصاد، باعث نبوغ و شکوفایی استعدادهای نهفته است (حکیمی، ۱۳۹۰: ۳/۱۶۴)؛ از این رو شناخت ظرفیت‌های بومی و برنامه‌ریزی برای توانمندی‌های موجود، عامل مهمی در اقتصاد اسلامی است (قبادی قور دلار، ۱۳۹۶: ۸۴).

رهبر انقلاب اسلامی نیز فرموده است: «اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو، بر مبنای اقتصاد مقاومتی که همان، پیروی از الگوی اقتصاد بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است، عاملی برای شکستن هیمنه استکبار و آفرینش حماسه اقتصادی خواهد بود» (ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹). ایشان، با توجه به مفاد آیه‌ی نازله در جهت تمجید از مردم همراه با پیامبر ﷺ در جهت ستیز با دشمنان: ﴿وَلَا يَطۡوۡنَ مَوۡطِئًا يَغِيۡظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنَ عَدُوِّ نِبِيلًا إِلَّا كِئِبۡ لَٰهُمۡ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ﴾ (برائت: ۱۲۰) فرموده است: «آن کاری که غیظ کفار را برانگیزد، عمل صالح است. آن کاری که ضربه‌ی به کفار بزند، «ینالون منه» یعنی ضربه زدن، نال به دو معنا استفاده می‌شود، اما ینالون منه وقتی با «من» باشد، معنایش این است: ﴿لَا يَنَالُونَ مِنَ عَدُوِّ نِبِيلًا﴾، یعنی ضربه‌ای به او نمی‌زند، مگر اینکه عمل صالح می‌نویسند. این خب بهترین جهاد است» (بیانات در دیدار مبلغین و طلاب، ۱۴۰۲/۴/۲۱).

بنابراین، سودهای بانکی، پس‌انداز جواهرات و سندهای ملکی در گاو صندوق منازل عاملی برای خواباندن چرخه تولید است، کاهش مصرف در کنار افزایش تولید، عامل مهم دیگری

درجهش اقتصادی است. تولید و مصرف در فرهنگ آسمانی اسلام، مانند دو کفه ترازو عمل می‌کنند به میزانی که تولید بالا رود اگر مصرف پایین بیاید؛ چنین جامعه‌ای در اوج اقتدار و بالندگی قرار خواهد گرفت و طوق بردگی و بندگی بیگانه را نخواهد پذیرفت؛ این مهم درگرو ترویج سبک زندگی اسلامی و عدم تقلید از سبک زندگی اروپایی خواهد بود، چنانکه در بیانات رهبر معظم انقلاب، پرهیز از سبک زندگی غربی مکرر توصیه شده است.

۳-۳. استقلال آموزشی

با نگاهی به آیات قرآن، می‌بایم که جهان هستی، همچون دانشگاهی است که هدف از آن کسب علم و دانش بوده؛ و خلقت موجودات مقدمه‌ای برای تربیت نفوس انسانی و تقرب الی الله است و تعلیم و تربیت در سایه تلاوت آیات الهی، هدف بعثت پیامبر اکرم ﷺ شمرده شده است (بقره: ۱۵۱).

رهبر فرزانه انقلاب ﷺ در این زمینه فرموده است: «اولین آیات قرآن، تجلیل از علم است: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق: ۱). ابتدا تعلیم را مطرح کرد. دانش، وسیله‌ی نجات و رستگاری انسان است که به زمان و مکانی خاص بستگی ندارد و مربوط به همه‌ی دوره‌های زندگی بشر است» (بیانات با کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۷/۲)؛ «آن وقتی که در دنیا خبری از علم و سواد وجود نداشت، اسلام و قرآن ما با «اقْرَأْ» شروع کرد و به قلم و نوشته سوگند خورد و اسیر جنگی را در مقابل یاد دادن چند کلمه آزاد کرد. این، متعلق به چهارده قرن پیش است، در زمانی که اروپای امروز هیچ خبری از علم و دانش نداشتند، (مسلمانان) دارنده‌ی بزرگترین دانشگاه‌ها و بزرگترین دانشمندان (بودند). یعنی در صدر اسلام، مبارزه‌ی با بی‌سوادی و تحریص و تحریض به علم و دانش، جامعه‌ی اسلامی را حدود هفت، هشت قرن از همه‌ی دنیای متمدن آن روز جلوتر برد. البته بعد ما رجعت کردیم، مسلمانان تبلی کردند...؛ ولی حالا می‌توانیم دوباره شروع کنیم» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۶۹/۷/۴)

ارزشمندی تعلیم و تربیت به قدری است که خدای متعال خود را معلم انسان‌ها معرفی می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۱۳۴) و همان را بر عهده انبیای خود، مخصوصاً نبی اکرم ﷺ گذاشته است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱/ ۱۲۳)؛ مقام معظم رهبری ﷺ در مورد سوره علق

می فرماید: «در همین سوره، تعلیم انسان، آگاهی دادن به انسان و قلم را به انسان سپردن، یادآوری شده است. سیاه‌روزی‌های بشریت که به ظلم و استضعاف و عقب‌ماندگی و برادرکشی و سخت‌زندگی کردن در این عالم منتهی شده است، ... و چه آن چیزهایی که به حیات جاودانه‌ی انسان ارتباط پیدا می‌کند... همه‌ی این‌ها در جهان‌بینی بعثت اسلامی، با واقعیت ملاحظه شده و برای آن، علاج معین گردیده است» (بیانات رهبری با کارگزاران نظام، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴).

بنابراین نیاز به رهبر آسمانی، برای تعلم و تزکیه، از اساسی‌ترین نیازهای جامعه بشری است (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱/۲۰۴). در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، «بدون شک علم پایه تمدن؛ (دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲) و مهم‌ترین ابزار آبرو و پیشرفت و اقتدار است» (دیدار با رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰)؛ چنانچه، «تقویت کشور فقط به نیروی مسلح وابسته نیست؛ ستون‌های محکم دیگری هم هستند: پیشرفت علمی مایه‌ی پیشرفت کشور است» (بیانات در دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۴۰۱/۷/۱۱). معظم له در زمینه‌ی علم و فناوری، معتقد است «آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را و وجهی همت قرار بدهید و دنبال کنید؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکسته‌ایم و یک قدم به جلو برداشته‌ایم» (دیدار با هیئت علمی دانشگاهی، ۱۳۸۵/۷/۱۳) و «بهترین مشوق برای گسترش علم، تکریم دارنده‌ی علم است» (دیدار با نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۷/۳).

لذا در فرآیند رشد و تعالی کشور، نقش آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد تربیت نیروی انسانی، بی‌بدیل است. از این‌رو، نهادهای آموزشی، ابزار کارآمدی برای پیشرفت جوامع و حفظ میراث گذشتگان، با هدف تقویت مبانی مذهبی و اخلاقی، آموزش مهارت‌های علمی و هنری و... محسوب می‌شوند (فرجاد، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۵). تا آنجا که گوستاولوین فرانسوی، بقا و پایداری هر جامعه‌ای را در گرو رعایت و حفظ سنت‌های قومی و اعتقادی آنان می‌داند؛ در غیر این صورت جامعه استوار نخواهد ماند (همان: ۱۷).

سرمایکل سالدر (یکی از شهیرترین فیلسوفان انگلیسی در قرن بیستم)، آموزش و پرورش را جریان فلسفی برگرفته از فلسفه دانسته و تقلید از روش‌های بیگانه را به صلاح جامعه نمی‌داند (همان: ۳۲).

آنچه از اندیشه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی علیه السلام (که برآمده از آیات و روایت می باشد)، در مورد آموزش و پرورش اقتباس می شود؛ چنین است:

ایشان، آموزش و پرورش را به عنوان تولیدکننده نیروی انسانی، مهم ترین و اساسی ترین عنصر برای پیشرفت کشور دانسته، از اینرو سرمایه گذاری در این زمینه را کمک به ذخیره سازی یک ثروت عظیم معنوی می دانند (دیدار با مسئولان آموزش و پرورش، ۱۳۸۶/۵/۳). معظم له ایجاد تحوّل اساسی چه از لحاظ قالب، چه از لحاظ محتوا، در فضای آموزش و پرورش را لازم می دانند (دیدار با مسئولان آموزش و پرورش کشور، ۱۳۹۳/۲/۱۷) و تحوّل در زمینه ی مسائل آموزشی، عمقی و کاربردی کردن دروس است نه دروس صرفاً حفظی؛ درس ها و بحث های فایده محور را لازم می دانند (دیدار با مسئولان آموزش و پرورش، ۱۳۹۹/۳/۱۴)؛ «ما باید به آن جا برسیم که اگر در اکناف عالم یک پژوهشگر، یک دانشمند، بخواهد به فلان نظریه ی علمی یا نظریه ی فلسفی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد» (بیانات در دیدار نخبگان استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۴)؛ از این رو، «علم مجرد و به تنهایی کافی نیست؛ باید علم را به فناوری، فناوری را به صنعت و صنعت را به توسعه ی کشور وصل کنیم» (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۵/۱/۱).

بدین سبب، برنامه های کریشه ای در مدارس که صرف دادن اطلاعات و حافظه پروری باشد، مانع شکوفایی استعداد و توانایی های نیروی کارآمد کشور است؛ علاج کار در عمقی و کاربردی کردن محتوای دروس به صورت ایجاد روح ابتکار و ابداع، تمرین برنامه ریزی، سپردن مسئولیت، آموزش در قالب بازی، برای تربیت مدیران موفق، لازم است. اسیر تشویق، تنبیه و نمره بودن، پرورش روحیه ی برده داری است و خروجی چنین نظامی مستعد است که بنده طاغوت شود. نظامی نیاز داریم تا خروجی آن انسان هایی متدین، اهل اقدام، قانون شناس و مهم تر از همه دشمن شناس باشند، گنجاندن محتوای دشمن شناسی مخصوصاً جنایات آمریکا بسیار مهم و مطالبه مقام معظم رهبری علیه السلام نیز بوده است. مدیران موفق خروجی چنین تحوّل بنیادین است.

نتیجه گیری

استکبارستیزی به عنوان یک تعبیر کارآمد قرآنی، دارای رهاوردهای گوناگون در حوزه‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی و ... است. در آیین اسلام، همیشه دو جریان حق و باطل در طول تاریخ در نبرد بوده و هستند؛ از یک سو پیامبران و پیروان آنان و از سوی دیگر، چهره‌های گوناگون استکبار با تمام توان در مقابل پیامبران و انسان‌های حق‌گرا قد علم کرده؛ و کوشیده و می‌کوشند تا عزت و اقتدار ملل مظلوم را تصاحب نموده، و آنان را به استعمار بکشانند. با لحاظ آنچه که در قالب این مقاله و با الهام از اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری دامت‌برکاته، نگاشته‌ایم به وضوح روشن گردید که: قطعاً با عملیاتی شدن فرهنگ «استکبارستیزی» و تحقق بیداری و استقامت ملل مسلمان، هیمنه قطب سلطه‌گر شکسته شده و ملل مسلمان از بردگی و بندگی نظام‌های استکباری نجات می‌یابند؛ و با کسب استقلال سیاسی، بستر مناسب برای رسیدن به آزادی معنوی نیز فراهم خواهد آمد؛ همچنانکه با اصلاح الگوی مصرف، تولید نیز جهت درستی می‌یابد و ملت به استقلال اقتصادی نیز دست می‌یابد؛ زیرا تجربه نشان می‌دهد: ملت و دولت‌هایی که از لحاظ اقتصادی وابسته باشند، به اهداف متعالی در سطح جهانی نخواهند رسید. همچنین، برطرف کردن چالش‌های موجود در نظام آموزشی (بوژه زوال و زدودن نمادهای فرهنگ غربی)، موجب ارتقای نهاد آموزشی و تربیت دانش‌آموز تراز جامعه اسلامی خواهد بود.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن.
۲. نهج البلاغه (۱۳۹۲). سید رضی، ترجمه محمد دشتی، چ ۲، تهران، پیام عدالت.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، چ ۲، بیروت، دار صادر.
۴. ازهری، محمد (۱۴۲۱). تهذیب اللغة، چ ۱، بیروت، دار الأحياء التراث العربی.
۵. برقی، احمد (۱۳۷۱). محاسن، چ ۲، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۶. بعلبکی، ابوبکر محمد (۱۹۸۷). جمهوره اللغة، چ ۱، بیروت، دارالعلم للملایین.
۷. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). روان جاوید، چ ۱، برهان، تهران.
۸. جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۹۲). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). انتظار بشر از دین، چ ۳، قم، اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تفسیر تسنیم، بی چا، قم، اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). هدایت در قرآن، چ ۷، قم، اسراء.
۱۲. جوهری، اسماعیل (۱۴۰۴). تاج اللغة و صحاح العربیة، چ ۳، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، بی چا، قم، آل البيت.
۱۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (عجله)،

<https://farsi.khamenei.ir>

۱۵. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴). انوار الدررخشان، چ ۱، تهران، لطفی.
۱۶. حکیمی، محمد (۱۳۹۰). معیارهای اقتصادی در تعلیم رضوی، بی چا، قم، بوستان کتاب.
۱۷. دهخدا، سیدعلی اکبر (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا، چ ۲، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۳). مفردات الفاظ قرآن، بی چا، بی جا، بی نا.
۱۹. زبیدی، مرتضی (بی تا). تاج العروس فی جواهر القاموس، بی چا، بیروت، دارالفکر.

۱۸. زرشناس، شهریار (۱۳۸۲). *واژه‌نامه سیاسی- فرهنگی*، چ ۱، تهران، صبح.
۱۹. زرشناس، شهریار، شماره ۵۷۲۷، «*استقلال و اقتصاد*»، روزنامه فرهنگی و اجتماعی جام جم.
۲۰. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*، چ ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیرالمیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، چ ۷، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، چ ۳، تهران، مرتضوی.
۲۳. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسیر نور الثقلین*، چ ۴، قم، اسماعیلیان.
۲۴. فرجاد، محمدعلی (۱۳۹۳). *آموزش و پرورش تطبیقی*، چ ۸، تهران، بی‌نا.
۲۵. فروم، اریک (۱۳۷۵). *گریز از آزادی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چ ۷، تهران، مروارید.
۲۶. قبادی قور دلار، مهری (۱۳۹۶). *اقتصاد مقاومتی*، چ ۱، قم، بوستان کتاب.
۲۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*، چ ۱، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۸. قرشی بنابی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس القرآن*، چ ۶، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر قمی*، چ ۳، قم، دار الکتب.
۳۰. کاشانی، فتح‌الله (۱۳۰۰). *منهج الصادقین*، چ ۱، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۳۱. کاشانی، فتح‌الله (۱۴۲۳). *زبدة التفاسیر*، چ ۱، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۳۲. کرمانی، محمود (۱۹۹۸). *البرهان*، چ ۲، قاهره، دار الوفاء.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۱). *اصول کافی*، بی‌چا، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، چ ۲، بی‌جا، دار الوفاء.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *نظری بر نظام اقتصادی در اسلام*، چ ۷، تهران، صدرا.
۳۶. مطهری، مرتضی (بی‌تا). *جامعه و تاریخ*، بی‌چا، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، چ ۱، قم، کنگره شیخ مفید.

۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، چ ۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). پیام قرآن، چ ۹، تهران، دار الکتب الاسلامیه.